

Temel A2

6.Bölüm

1- acele	عجله
2- açma	آچما یک شیرینی مخمری کمی شیرین از غذاهای ترکی است که اغلب به عنوان غذای خیابانی ارائه می شود.
3- alkollü	الکلی - دارای الکل
4- anlam	معنی - مفهوم
5- ayaküstü	سربایی
6- ayran	دوغ
7- bagaj	صندوق - بار
8- bakıcı	پرستار (بچه یا مسن)
9- bedesten	بَزْاَزْستان نامی فارسی است که در امپراتوری عثمانی برای اشاره به راسته ُ بَزازها در بازارهای شهرهای عثمانی به کار می رفت.
10- briç	کانترکت بریج که معمولاً با نام بریج نیز شناخته می شود نوعی بازی ورق است که با ۵۲ ورق استاندارد پاسور و با چهار بازیکن در دو تیم دو نفره بازی می شود.
11- çamaşır	لباسی که باید شسته بشه
12- çatal (yiyecek)	چنگال
13- çıkış	خروجی
14- dekoratif	دکوراتیو
15- deneyim	تجربه
16- desen	طرح
17- döviz	ارز
18- düşün	

عروسی	
19- ehliyet	
گواهینامه	
20- ekip	
گروه - اکیپ	
21- geleneksel	
سنتی	
22- gözleme	
Gözleme یک غذای خوش طعم ترکی است. خمیر معمولاً بدون خمیر است و فقط با آرد، نمک و آب درست می شود، اما گوزلمه را می توان از خمیر مایه نیز درست کرد .	
23- gürültü	
سرو صدا	
24- güverte	
عرشه	
25- han	
کاروان سرا	
26- hat	
خط	
27- hazır	
آماده	
28- heyecan	
هیجان	
29- ihtiyaç	
احتیاج	
30- ilan	
آگهی - اعلان	
31- izin	
اجازه - مرخصی	
32- karar	
تصمیم	
33- katmer	
قتلمه نان لایه ای سرخ شده است که در آشپزی آسیای مرکزی، پاکستان، ترکیه و آذربایجان رایج است.	
34- kestane	
شاه بلوط	
35- kokoreç	
کوکورچ یا گوشت و روده ُ کبابی و طعم دار شده گوسفند، یکی از غذاهای خیابانی محبوب استانبول و همچنین یونان و کشورهای بالکان به شمار می رود .	
36- konu	
موضوع	
37- köfte	

کوفته	
38- kumpir	کومپیر یک سیب زمینی پخته با مواد پرکننده مختلف است. این یک فست فود محبوب در ترکیه است و در سراسر بالکان محبوب است.
39- lahmacun	لحم‌عجین یکی از خوراک‌های ترکیه، ارمنستان و سرزمین شام است. خوردن لحم‌عجین توسط مهاجران اهل ترکیه در کشورهایمانند هلند رایج شده که در آنجا تحت عنوان پیتزای ترکی فروخته می‌شود و در ترکیه لاحماجون تلفظ میشود. این خوراک در ارمنستان و مناطق ارمنی‌نشین تحت عنوان پیزای ارمنی شناخته می‌شود.
40- lazım	لازم
41- martı	مرغ دریایی
42- mutlaka	حتما
43- nakit	نقد
44- öncelik	اولویت
45- öneri	پیشنهاد
46- pide	پیدان شریفی İçli pide که به سادگی پیده نیز نامیده می‌شود، یک غذای خوش طعم با منشاء دریای سیاه ترکیه است که از یک پایه معمولاً گرد و مسطح از خمیر مایه گندم خمیر شده با گوجه فرنگی، پنیر و اغلب مواد مختلف دیگر تشکیل شده است که سپس در درجه حرارت بالا پخته می‌شود .
47- poğça	پوآچا یا پوگاچا نوعی پیراشکی است که در انواع مختلفی در بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، اسلونی، مقدونیه، صربستان، مونته‌نگرو، مجارستان، یونان (Μπουγάτσα)، ترکیه پخته و خورده می‌شود و در اتریش نیز pogatschen خوانده می‌شود. گاهی داغ به‌عنوان پیش‌غذا و به جای نان سرو می‌شود .
48- rahat	راحت
49- rakip	رقیب
50- refah	رفاه
51- sanatçı	هنرمند
52- sandal	صندل نوعی کفش روباز و سبک است که معمولاً با بندی که در پشت مچ پا قرار می‌گیرد، پوشیده می‌شود.
53- seyir	

	سیر
54- sıkışık	تودرتو - پیش هم - کنار هم
55- sınır	مرز
56- simit	سیمیت (ترکی استانبولی) <i>simit</i> : نانی گرد است که به طور معمول روی آن کنگد می‌ریزند، البته تخم خشخاش، کتان و تخم آفتابگردان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که از محبوبیت کمتری برخوردار هستند.
57- siyasetçi	سیاستمدار
58- sözleşme	قرارداد
59- süre	مدت زمان
60- şekerleme	قنادی - خواب کوتاه نیمروزی
61- şiddet	شدت
62- şirket	شرکت
63- tavla	تخته نرد
64- tavsiye	توصیه
65- tecrübe	تجربه
66- terlik	دمپایی
67- tost	تست
68- ud	عود
69- ünlü	مشهور - صدا دار
70- vakıf	وقف
71- vatandaş	شهروند - هم وطن
72- vezne	صندوق

73- yalan	دروغ
74- yaygın	رایج - شایع
75- yoğun	پر حجم - فشرده
76- ara vermek	استراحت کردن
77- batmak	فرورفتن - غرق شدن
78- bilgi vermek	اطلاعات دادن
79- bitirmek	تمام کردن
80- borç vermek	قرض دادن
81- burs vermek	بورسیه دادن
82- çekinmek	خجالت کشیدن
83- çözmek	حل کردن - باز کردن
84- dayanmak	تحمل کردن
85- denemek	امتحان کردن
86- destek vermek	حمایت کردن - پشتیبانی کردن
87- devam etmek	ادامه دادن
88- dikiş dikmek	دوختن
89- dikkat etmek	دقت کردن - توجه کردن
90- doymak	سیر شدن
91- farkında olmak	متوجه بودن
92- gecikmek	تاخیر کردن
93- gitar çalmak	

	گیتار زدن
94- giyinmek	
	لباس پوشیدن
95- göz kırpma	
	چشم به هم زدن - چشمک زدن
96- güvenmek	
	اعتماد کردن
97- hoş görmek	
	خوش رویی دیدن - به خوبی استقبال شدن
98- hüküm vermek	
	حکم دادن
99- ısıklık çalmak	
	سوت زدن
100- ilgilenmek	
	توجه کردن - وقت گذاشتن
101- izlemek	
	تماشا کردن
102- kaybolmak	
	گم شدن
103- kaymak	
	سر خوردن
104- kımıldamak	
	تکان خوردن
105- közlemek	
	کز دادن - روی زغال کباب کردن
106- kredi almak	
	وام گرفتن
107- kutlama	
	جشن گرفتن
108- mola vermek	
	استراحت کردن
109- neden olmak	
	باعث شدن
110- neden olmak	
111- para bozdurmak	
	پول خرد کردن - تبدیل واحد پول به واحد دیگر
112- problem çıkarmak	
	مشکل ایجاد کردن
113- sığmak	
	جا شدن - گنجیدن

114- sıkıntı çekmek	سختی کشیدن
115- soluklanmak	نفسی تازه کردن
116- şişirmek	باد کردن
117- takip etmek	تعقیب کردن
118- uzatmak	ادامه دادن – کش دادن
119- ütölemek	اتو کردن
120- vedalaşmak	خداحافظی کردن
121- yatıştırmak	آرام کردن
122- yenmek	غلبه کردن
123- yetişmek	رسیدن
124- zannetmek	ظن و گمن کردن